



www.ketab.ir

انتشارات بهداد

میک، کری، ۱۹۵۹ - م.

Carey, Mike

برگردان بهناه حاجی: اده، سمانه افشارحاتم؛ ویراستار نیما کهندانی.

مشخصات نشر : تهران نشر بهداد، ۱۳۹۵ -

چ ۲ : مصور (افشارحاتم رنگی).

موضوع : داستان بی انگلیسی - قرن ۲۰ م.

یادداشت: عنوان اصلی. The girl with all the gifts, 2014.

شناسه افزوده : افشارحاتم، سمانه، مترجم

شابک بخش اول : ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۴۷-۴-۱

شناسه افزوده : حاجی زاده، بهنام، مترجم

رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۵/۳۷۳۳ کی/PZ3

رده‌بندی دیویی : ۸۲۳/۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۴۴۱۴۴

دختري
The Girl
باتمام
With All
مهره‌ها
The Gifts

کتاب اول

مایک کرو

بهنام حاجی زاده، همانه افشارحاتم

ویراستار: گروه آبهشت

بازبینی و تصحیح نهایی:

نیما کهندانی

ناشر: بهداد

لیتوگرافی: نقره آبی

چاپ: الفبا

طراح و گرافیست: امین طالبی

صفحه آرا: نیما کهندانی

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۸۴۷-۴-۱

قیمت: ۱۹۵۰۰ تومان

برای خوانندگان ایرانی

خیلی خوب با ایران و پیشینه‌ی تاریخی‌اش در مقام یکی از زادگاه‌های تمدن آشنایی دارم. چندین هزاره، ایران سرچشمه‌ای بوده است که انگاره‌ها و صنایع بدیع از آن به سوی غرب جاری شده تا الهام‌بخش دانشمندان، فلاسفه و داستان‌سرایان یونان، روم و سایر ملل و سیاه‌تودان مدرن باشد. از این رو فرستادن داستان حقیرم به ایران حس می‌آورد. من... خوب، در انگلیسی اصطلاح آن «زغال سنگ به نیوکسل فرستادن» است. نکته اینجاست که نیوکسل در انگلستان مکان اصلی توزیع و فروش زغال سنگ بوده است و به زغال سنگ بیشتری نیاز ندارد.

ولی همه به داستان‌های بیشتری نیاز دارند. با داستان‌هاست که می‌فهمیم کی هستیم، از کجا آمدیم و به کجا می‌رویم. بهترین داستان‌ها، چندین و چند قرن باقی می‌ماند، چرا که فراموش کردن‌شان ناممکن است و همچنان با زبانی با ما سخن می‌گویند که درک می‌کنیم برای مثال هزار افسانه^۱، که اینجا در غرب، پسر ز بارها و بارها ترجمه و بازبینی و بازآفرینی تبدیل به هزارویک شب شده است. چنین داستان‌هایی عاقبت بخشی از ژنوم ما به عنوان گونه‌ای زیستی می‌شوند. آن‌ها نه روی کاغذ بلکه بر وجود ما حک شده‌اند.

^۱ The Thousand Myths

یکی از بهترین دوستان من در دوران دانشگاه، مردی ایرانی به نام صباح دباغ و دانشجوی داروشناسی بود. یک بار به من گفت به نظرش زبان انگلیسی، زبانی بسیار مناسب و کارآمد برای مقالات علمی است، اما زبان فارسی، بی‌بروبگرد، بهترین زبان برای شعر و شاعری است. صباح درس خود را تمام نکرد. به خانه برگشت تا در مقابل عراق بجنگند (این اتفاق در سال ۱۹۸۵ رخ داد). ارتباطمان با یکدیگر قطع شد. هیچ نمی‌دانم آیا از جنگ جان سالم به در برد یا چه بر سرش آمد. هیچ وقت هم بخیرمان به سرانجام نرسید، برای همین هیئت منصفه باید قضاوت کند.

در هر صورت، از این فکر بسیار غرسند و خوشنودم که «دختری با تمام موهبت‌ها» را به زبان فارسی نگاه داشت خواند و (امیدوارم) به زبان فارسی درباره‌ی آن بحث می‌کنند. نمی‌دانم آیا چیزی از آهنگ و قدرت متن‌های خودتان دارد یا نه؛ اما لطفاً آن را، اگر نه تکه‌ای زغال، شمعی بشمارید؛ شمعی که در پشت پنجره‌ای در دور دست‌ها در دل شبی سیاه افروخته شده است.

نور برای دیدن اطراف کافی نیست ولی آن قدر مست به دلانیم شخص دیگری آن بیرون است. هنوز بیدار است. در نکار است. داستان‌هایی به او الهام بخشیده‌اند که مدت‌ها پیش، از طریق جاده‌هایی که نه شن و نه جنگ نتوانسته‌اند آن‌ها را مدفون کنند، از سرزمین پارس و عربستان به غرب آمدند و هرکجا که مردم آن‌ها را بخوانند یا به آن‌ها گوش بدهند، سکنا خواهند گزید.

با بهترین آرزوها،

مایک کری